

## بازنگری چالش‌های اقتصاد ایران / سردبیر

إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُمْ مَسْئُولًا (الاسراء (۱۷): ۳۶).

سالی را که آغاز کرده‌ایم، ویژگی‌های چندی دارد. برنامه چهارم توسعه در پی تصویب چشم‌انداز بیست ساله کشور، به وسیله دولت محترم تهیه و در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید از طرفی دوران فعالیت مجلس ششم، به اتمام رسیده و مجلس هفتم، فعالیت قانونگذاری خود را آغاز کرده است. قوه قضائیه و مجریه نیز به پایان دوران مسؤولیت خود نزدیک می‌شوند. رهبر فرزانه انقلاب در پیام نوروزی خود، ضمن اشاره به این مناسبت‌ها، سال جدید را سال پاسخگویی نامیده، تأکید کردند در این سال مسؤولان در حوزه فعالیت خود برای تحقق اهداف مورد نظر دستگاه خود و وعده‌هایی که در این زمینه داده‌اند، به مردم پاسخگو باشند.

این مسأله از دو جهت اهمیت دارد: فایده نخست آن، این است که کوتاهی کنندگان در انجام وظایف خود به مردم معرفی می‌شوند یا دست‌کم کار را به افراد شایسته تر وا می‌گذارند.

فایده دیگری که در این سخن، مورد توجه است، پی بردن به چالش‌ها، نقص‌ها و بازنگری و توجه به فرصت‌هایی است که می‌تواند در دوران جدید مورد توجه بیش‌تر قرار گیرد. بررسی ضعف‌های برنامه سوم توسعه و شناخت موانع تحقق آرمان‌های آن، بازنگری در قوانین تصویب شده در مجالس گذشته به‌ویژه مجلس ششم و همچنین

قوانینی که تصویب آن‌ها می‌توانست در تحقق اهداف والای انقلاب اسلامی راهگشا باشد، و نیز توجه به نقاط ضعف موجود در قوای مجریه و قضائیه در طریق اجرای خوب قوانین مصوب و نظارت دقیق بر آن‌ها از فواید خوب چنین بازننگری و پاسخگویی است؛ البته شرط مهم فایده‌مند بودن این بررسی این است که افراد در صدد توجیه اشتباهات خود یا متهم و محکوم کردن دیگران نباشند؛ بلکه در این بازننگری بیش‌تر باید نگاه اصلاحی داشت. در این نوشتار، با نگاهی اجمالی، برخی از مشکلات نظام را در حوزه اقتصاد بررسی می‌کنیم و در همین حد نیز راه حل‌هایی پیشنهاد می‌شود.

بدون تردید، اقتصاد کشور ما از بیماری‌هایی که به تدریج مزمن می‌شوند، رنج می‌برد. این بیماری‌ها افزون بر آن که سبب رنج و درد اقشار قابل توجهی از مردم شده است، پیامدهای رنج آورتری را نیز به دنبال دارد که از جمله خنثا ساختن سیاست‌های اقتصادی و فلج کردن اقتصاد، کاهش اعتماد توده‌های مردم و ایجاد باوری مبنی بر ناکارآمدی نظام اسلامی در حوزه اقتصاد است. ریشه این بیماری‌ها و مشکلات را می‌توان در امور ذیل جست:

## ۱. عدم توجه به اقتصاد اسلامی

بی‌توجهی یا کم‌توجهی حوزویان و دانشگاهیان به تبیین الگوی اقتصادی نظام اسلامی، سبب شده است این ذهنیت برای گروهی از هر دو قشر ایجاد شود که اصولاً دین در حوزه اقتصاد حرفی برای گفتن ندارد و مهم‌تر از آن مسئولان و کارگزاران نظام، سیاست‌های خود را فارغ از نظریات اسلام به محک تجربه بگذارند و این در حالی است که عامه مردم بر این تصورند: این اقتصاد اسلامی است که عمل می‌شود؛ ولی جواب نمی‌دهد؛ نگاه دقیق و بدون تعصب به مسأله، حاکی از این است که بسیاری از مشکلات، ناشی از عمل نکردن به مبانی، ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی است. در همین رابطه رهبر فرزانه انقلاب در سخنانی که در دو سال پیش فرموده‌اند، بر این مطلب تاکید کرده‌اند که «هر جا اشکالی وجود دارد، چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه فرهنگی و اخلاقی، اگر کسی دقت کند برمی‌گردد به این که یک شیوه مخالف با اسلام مورد عمل قرار گرفته است. ما هر جا موفق شدیم، ناشی بود از تبعیت از اسلام، و هر جا ناموفق ماندیم، ناشی بود از سرپیچی از اسلام».

بی‌توجهی به مباحث اقتصاد اسلامی در مقاطع گوناگون دوره‌های اقتصاد دانشگاه‌ها و

بسنده کردن به دو درس در دوره کارشناسی، و بدون توجه به منبع و شکل ارائه این درس، ایجاد ذهنیت منفی درباره پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در موضوعات اقتصاد اسلامی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری، عدم توجه کافی به پژوهش‌ها در این زمینه و مسائلی از این قبیل در مجامع آکادمیک و عدم اقبال فقیهان و دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه به نظریه پردازی درباره موضوعات اقتصادی با استفاده از مبانی دینی و توجیه نبودن موضوعات مستحدث از جهات کارشناسی و علمی، از جمله اسبابی است که ذهنیت پیشین را ایجاد کرده است.

۷

## اقتصاد اسلامی

سخن پنجم: بازنگری چالش‌های اقتصاد ایران

در حوزه اجرایی، نا‌آشنایی و بی‌اعتقادی برخی از مسؤولان اقتصادی به اقتصاد اسلامی و شکل‌گیری پایه علمی آنان در مجامع غربی، مهجور شدن اقتصاد اسلامی را در عمل به‌همراه داشته است.

با توجه با این مشکلات بر حوزویان و دانشگاهیان، برنامه ریزان، مجلسیان و همه دست اندرکاران فرض است که زمینه‌های تبیین و تدوین الگوهای اقتصاد اسلامی و اجرای شایسته آن را فراهم سازند.

## ۲. ضعف قوانین

با صرف نظر از عدم تبیین و اجرای اقتصاد اسلامی، مشکلاتی از قبیل رانت خواری، ارتشا و فساد اداری در شفاف نبودن قوانین و در نظر نگرفتن واقعیت‌های جامعه ریشه دارد. بوروکراسی پیچیده و بیش از حد در برخی مواقع و فقدان نظارت جدی در موارد دیگر، زمینه‌های بسیاری را برای فساد ایجاد کرده است. از طرفی، نبود ثبات در قوانین و تغییر سریع آن‌ها نیز مشکلات دیگری را در عرصه اقتصاد پدید آورده است.

مشکلات نوظهور و اتفاقی مانند بحران جنگ، سیل و زلزله و مانند آن و بحران‌های اقتصادی ناشی از سیاست‌های نادرست گذشته، سیاست‌گذاران را به روزمرگی و در نظر نگرفتن منافع آینده دچار ساخته است و سبب می‌شود برای حل این مشکلات تصمیم‌های بدون کارشناسی و مقطعی گرفته شود که پیامدهای آن در آینده‌ای نزدیک خود را نشان می‌دهد.

همین مسأله در ناحیه قوانین و مقررات قضا نیز مشکل را دو چندان کرده است. برنامه چهارم توسعه می‌توانست با دقت و حوصله و پرهیز از هر گونه شتاب، زمینه‌های

تصویب قوانین مناسب را به وسیله مجلس شورای اسلامی ایجاد کند که متأسفانه باز این جهت مورد غفلت قرار گرفت.

### ۳. ضعف در اجرا

قانون خوب هر گاه به درستی اجرا نشود، بی فایده بوده و حتی آثار زیانباری نیز به دنبال دارد. شایسته سالاری که در ادبیات دینی ما نیز بر آن تأکید رفته، از عوامل مهم توفیق مدیریت اجرایی در هر اقتصادی است. تخصص و مهارت، تدین و دلسوزی برای منافع مردم و کشور، باید از متغیرهای مهم در واگذاری مسؤلیت‌ها باشد.

متأسفانه مدیریت اجرایی کشور ما بیش از این که منافع ملی را دنبال کند، سیاسی و جناحی و در مواردی فردی و فامیلی است. وقتی کابینه‌ای تغییر می‌کند، گویا اداره کشور باید از صفر آغاز شود و سیاست‌های گذشتگان به باد انتقاد گرفته، و همه مشکلات فعلی نیز بر سر آنان خراب می‌شود. کارگزاران گذشته اغلب کنار گذاشته می‌شوند و افراد جدید روی کار می‌آیند. بدیهی است که استفاده از اندیشه‌های جدید و نیروهای جدید در صورتی که ضابطه‌مند باشد، امری مطلوب و پسندیده است و در غیر این صورت، خسارت‌های جدی به همراه دارد. این امر خود را در سطوح پایین مدیریتی، شدیدتر نمایان ساخته و مسائلی از قبیل پارتی بازی، رشوه و ... امور اجرایی کشور را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. در پایان به برخی از موارد اصلاحی دیگر نیز اشاره می‌شود.

#### أ. ایجاد روحیه همدلی و اعتماد عمومی و ترجیح منافع ملی

برخورداری از حمایت‌های مردمی و اعتقاد توده‌ها به سیاست‌هایی که از سوی دولت اتخاذ و اجرا می‌شود، از متغیرهای کامیابی دولت‌ها در تحقق آرمان‌ها و اهداف آنان است. در ایران، وقایعی چون جنگ تحمیلی و سوانح تحمیلی همانند زلزله به خوبی نشان داد که هرگاه مردم مشکلی را درد خود احساس کنند، برای حل آن با تمام وجود کوشیده، در گشودن آن گره از جان مایه می‌گذارند. به عکس هر گاه مردم احساس کنند که (دولتمردان به معنای عام) نه تنها به مشکلات آنان توجهی نداشته، بلکه درصدد هستند که بار مشکلات خود را بر گرده مردم بگذارند یا از جهات اعتقادی و شرعی با قوانین و سیاست‌های دولت مشکل داشته باشند، با بی‌توجهی و احیاناً کارشکنی، در قانون‌گریزی و خنثی کردن برنامه دولت خواهند کوشید. ترجیح منافع شخصی بر منافع ملی، یکی از پیامدهای بی‌اعتمادی مردم به

مسئولان است و مصیبت وقتی است که این بیماری به مسئولان و کارگزاران نظام نیز سرایت کند و چه بسا بتوان گفت که مسأله عکس باشد؛ بنابراین، جلب اعتماد عمومی و زنده نگاه داشتن روحیه همدلی، و تقویت روحیه «ترجیح منافع ملی بر منافع شخصی» باید در سیاستگذاری‌ها و اجرای آن‌ها مورد توجه جدی قرار گیرد.

### ب. مدیریت صحیح منابع و استفاده کارآمد از سرمایه های داخلی

ایران کشوری است که منابع خدادادی قابل توجهی دارد. فراوانی این منابع، در مواردی به جای این که عامل پیش برنده توسعه باشد، اثر بازدارندگی داشته است. منابع ارزشمند خدادادی، کالاهایی باد آورده تلقی، و ثروت آیندگان، بدون تدبیر و نگرانی از تمام شدن، به صورت خام و فرآورده اولیه فروخته می شود و بیش تر نیازهای مصرفی نسل فعلی را که گاه ضرور نیز نیستند با آن تأمین می کنند. مدیریت صحیح این منابع مستلزم دقت کارشناسانه در ایجاد تناسب بین نرخ زایش و استفاده از منابع تجدید شونده و نیز بهره برداری کارآمد از منابع پایان پذیر است. رعایت مسائل زیست محیطی و مصالح آیندگان به صورت زمینه های ایجاد توسعه پایدار، از معیارهای اساسی در استفاده از منابع طبیعی است.

از طرفی، وجود نقدینگی های سرگردان در کشور نیز که می تواند در سرمایه گذاری نقش مثبتی داشته باشد، تجربه نشان داده است که سبب ایجاد موج هایی در اقتصاد شده و زمینه رانت خواری را برای گروهی فراهم تر ساخته است.

بدیهی است بخش قابل توجهی از این وجوه، متعلق به مردمی است که در صورت وجود سرمایه گذاری مطمئن و سودآور، به آن سمت گرایش خواهد یافت؛ بنابراین، سیاستگذاری دقیق به منظور جذب این وجوه و جهت دادن آن‌ها تا میزان فراوانی می تواند ما را از سرمایه گذاری خارجی و رفتن زیر بار بدهی ناشی از بهره آن بی نیاز سازد.

### ج. تشویق نیروهای مبتکر و کارآفرین و جلوگیری از فرار مغزها

ضرورت سرمایه انسانی و تقویت آن، از مسائلی است که ادبیات غنی در مباحث توسعه اقتصادی دارد. کشور ما نیروهای با استعداد و کارآمد و دارای انگیزه های قوی ملی و دینی فراوانی دارد؛ اما متأسفانه بی توجهی به این سرمایه ها و گاهی برنامه ریزی نادرست سبب شده است که از این سرمایه گرانقدر محروم شویم. مسأله فرار مغزها یکی از چالش های اساسی در کشور ما است.

اگر از معدودی که غیرت دینی و ملی ندارند و فضای کشور را برای خود تنگ می بینند بگذریم، بخش قابل توجهی از این افراد به علت نبود فضای تحقیق و رشد علمی به کشورهای دیگر می روند. در چنین فضایی گاهی نیز خود، این نیروها را تربیت کرده، به یغماگران اندیشه معرفی می کنیم؛ بنابراین، تجدید نظر در این روش ها و از جمله اهمیت بیش تر به پژوهش و ایجاد زمینه فعالیت علمی برای نخبگان و تدابیری دیگر می تواند تا حد بسیاری جلو فرار مغزها را بگیرد.

در پایان بر خود لازم می دانم از زحمات بی شائبه و فراوان برادر فرزانه جناب حجّت الاسلام موسویان که مقدمات تأسیس فصلنامه و تقویت آن را در این سه سال فراهم ساخته، با درایت آن را اداره کرد و به جهت مسؤولیت های مهم تر، مسؤولیت سردبیری فصلنامه را به این کم ترین وا گذاشت و نیز از حُسن ظن وی و مدیر مسؤول محترم به بنده قدردانی کنم. بی تردید حمایت ها و کمک های فکری ایشان از این به بعد نیز راهگشا خواهد بود.

۱۰

اقتصاد اسلام

دوره  
شماره  
نظر  
۱۳۸۳

والسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی